

تحلیل تجربه‌های زنان سنجی از فالگیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فالگیری)

امید قادرزاده، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان*

فاطمه غلامی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

چکیده

مقاله حاضر به روش کیفی و به قصد راه بردن به دلایل روی آوردن زنان به فالگیری، دلالت‌ها و پیامدهای فالگیری در زندگی فردی و خانوادگی زنان صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق به کمک تکنیک مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری و برای عملیات میدانی تحقیق و تحلیل داده‌ها نیز روش نظریه‌مبنایی استفاده شده است. با کمک روش نمونه‌گیری گلوله برفی با ۳۰ نمونه از مطلعان کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد. بر مبنای نتایج تحقیق، زنان به دلایلی چون روزمرگی، آینده‌نگری، فشارهنجاری، فقدان حمایت اجتماعی به فالگیری روی می‌آورند. در این میان، مدرن‌شدن و روانکاوانه شدن فالگیری به عنوان شرایط مداخله‌گر و فردی شدن باورها و کلیشه‌های جنسیتی به عنوان زمینه تسهیلگر عمل می‌نماید. بر مبنای تجربه و درک زنان، مراکز فالگیری در کنار کارکردهای مشکل‌گشا و فراغتی به نوعی پاتوق زنانه مبدل شده است. زنان تخلیه روانی، افسون‌زدگی زندگی، احساس ندامت را از مهم‌ترین پیامدهای مراجعه به فالگیر تلقی می‌کنند. مقوله هسته استخراج شده از تجربه و درک زنان از فالگیری بر نامنی زندگی زنان دلالت دارد. **کلیدواژه‌ها:** فالگیری، نظریه‌مبنایی، نامنی زندگی زنان، کلیشه‌های جنسیتی، فالگیری فراغتی.

مقدمه و طرح مسأله

هر چند داده‌ها و شواهد تجربی که نشان دهد در گذشته چه میزان مردم به فالگیری اقبال نشان داده‌اند و هم‌اکنون چه تعداد مردم فال می‌گیرند یا چه میزان بر فعالیت‌های فالگیری افزوده شده است، وجود ندارد؛ اما می‌توان این واقعیت را پذیرفت که فالگیری همیشه در زندگی بشر وجود داشته است. گاهی به عنوان یک دانش رازآلود و مبهم و بعضی مواقع هم به عنوان معرفتی حاشیه‌ای در گوشه و کنار جامعه به زندگی خود ادامه داده است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اخیراً این پدیده، نقش ویژه‌ای در زندگی روزمره مردم پیدا کرده است. در سال‌های اخیر، چاپ و ترجمه کتاب‌های متنوع درباره فالگیری، گسترش و تنوع روش‌های فالگیری، پذیرش اجتماعی این پدیده، رجوع دارندگان مدارک دانشگاهی به فالگیری، و طرد مداوم آن توسط گفتمان رسمی، سبب اهمیت روزافزون این موضوع شده است (نوذری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

«فالگیری، یک سازه یا نوعی تولید اجتماعی و فرهنگی است که همواره در گذشته بوده؛ اما در هر دوره تاریخی متناسب با شرایط خاص آن دوره، برای این پدیده «معنای فرهنگی» و «کارکرد اجتماعی» خاص وجود داشته است. فالگیری یک کنش است که معنای آن در بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی شکل می‌گیرد. این پدیده با کلیت زندگی اجتماعی ما در ارتباط است؛ پس نمی‌توان آن را چیزی خارق‌العاده تصور کرد. فالگیری، پدیده‌ای محلی و مختص به ایران نیست، بلکه ماهیتی جهانی - محلی به خود گرفته است. از این رو، برای رسیدن به شناخت جهانی - محلی باید پدیده فالگیری را در بستر تحولات مدرنیته و فرایندهای فرهنگی - جهانی، مانند: جهانی شدن، رسانه‌ای شدن، زنانه شدن، مصرفی شدن، فراغتی شدن، عامه‌پسند شدن یا توده‌ای شدن و تجاری شدن مورد توجه و بررسی قرار داد» (فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۲).

«شواهد میدانی گویای آن است که فالگیری جنبه جنسیتی به خود گرفته است و در میان زنان، رغبت بیشتری به آن دیده می‌شود. اگر «در گذشته زنان به دلیل عدم برخورداری

و دسترسی به منابع هویت‌بخش و معنابخش بیشتر به سمت و سوی سرنوشت‌گرایی و افکار قضا و قدری کشانده می‌شدند» (خواج‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲)؛ امروزه با ارتقای سطح سواد زنان و قرار گرفتن آنان در فضاهای نسبتاً متفاوت، گرایش و رغبت به فالگیری ناموجه به نظر می‌آید. با این وصف، مشاهدات میدانی گویای این است که رغبت و تمایل به فالگیری حتی در زنان تحصیل‌کرده نیز دیده می‌شود و مراجعه به فالگیر به بخشی از زندگی روزمره زنان متأهل و دختران جوان تبدیل شده است. همین مسأله، گویای ماهیت پیچیده و سیال فالگیری به مثابه یک واقعیت فرهنگی - اجتماعی است.

نگاهی اجمالی به صفحات حوادث روزنامه‌ها نشان می‌دهد، فالگیری از زمره عواملی است که خانواده‌های زیادی قربانی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن می‌شوند. کلاهبرداری رمالان و فالگیران، نه تنها هزینه‌های هنگفتی را با شیوه‌هایی نظیر: فالگیری، دعانویسی، جادوگری و کف بینی بر افراد تحمیل می‌کند، بلکه در مواردی بسیار کانون خانواده‌ها را متلاشی نموده است. بر مبنای برخی گزارش‌ها حدود ۵ درصد از طلاق‌ها با موضوع فالگیری و جادوگری ارتباط دارد.^۱

علاوه بر این، جرایم متعدد دیگری، مانند: سوءاستفاده جنسی، کلاهبرداری و سرقت نیز توسط رمالان رخ داده است. با توجه به اهمیت و کارکردهای آشکار و پنهان این قسم از جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی در زندگی زنان، ضرورت دارد بسترها، کارکردها و دلالت‌های معنایی فالگیری و پیامدهای آن در زندگی اجتماعی و خانوادگی زنان واکاوی شود؛ به‌ویژه اینکه امروزه فالگیری و طالع‌بینی نه تنها به حوزه‌های سنتی زندگی افراد، بلکه به حوزه‌های نوین زندگی هم رسوخ کرده و در زیر نقاب به ظاهر فردگرای جامعه نوین اشتیاق گسترده نسبت به پدیده‌های اسرارآمیز فزونی یافته است» (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

^۱ www.dadavar.com

۱۳۸۸)، سطح پایین تحصیلات، درگیری کمتر با شرایط جامعه مدرن (افشانی، ۱۳۸۵؛ سمیعی، ۱۳۸۱؛ فروغی و مقدم، ۱۳۸۸)، شرایط اقتصادی و تغییرات ارزشی در باورها (ربیعی، قاسمی و ارزانی، ۲۰۱۳) و تجرد (سمیعی، ۱۳۸۱) اشاره شده است. در پژوهش‌های خارجی، تحقیق پیرامون موضوع خرافه و خرافه‌گرایی از قدمت بیشتری برخوردار است. بر مبنای مطالعات اِمه^۳ (۱۹۴۰)، گرایش به باورهای خرافی در بین زنان بیشتر از مردان مشاهده شده است. این مسأله در مطالعات تجربی زب و باربارا^۴ (۲۰۰۱) و پلتزر^۵ (۲۰۰۲)، گرفتس و بینگهام^۶ (۲۰۰۵) نیز تأیید شده است. از دیگر متغیرهای مورد توجه در این دسته از مطالعات رابطه سن و سطح تحصیلات و گرایش به باورهای خرافی است. بر مبنای پژوهش اِمه (۱۹۴۰)، پلتزر (۲۰۰۲)، با افزایش سن و سطح تحصیلات، گرایش به باورهای خرافی کاهش پیدا می‌کند. نتایج مطالعات گرفتس و بینگهام (۲۰۰۵) گویای آن است که با افزایش سن، گرایش به باورهای خرافی افزایش می‌یابد.

مطالعات هامرمان^۷ (۲۰۱۰) و مک گریگور^۸ و همکاران (۲۰۰۸) گویای آن است که هرچه رویدادها و محیط پیرامون شفاف‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر باشد، به همان اندازه گرایش افراد به باورهای خرافی کاهش می‌یابد. بورمان و زاوگ^۹ (۱۹۸۱) و گالوپ و نیوپورت^{۱۰} (۱۹۹۰) در مطالعات خود نشان داده‌اند که تمایل به باورهای خرافی با مذهبی بودن افراد رابطه معنادار مستقیمی دارد. با این وصف، مطالعات بلیک و فردریک (۱۹۹۸) نشان داد که رابطه معناداری بین تمایل به باورهای خرافی و مذهبی بودن افراد وجود ندارد (ربیعی و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۵-۷۶).

این پژوهش، از میان انواع فال، به بررسی فال‌قهوه^۱ و کف‌بینی^۲ می‌پردازد که امروزه رواج بیشتری در میدان مورد مطالعه دارد. این مسأله در شهر سنندج با وجود ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان نمود قابل توجهی به خود گرفته است؛ به‌ویژه اینکه در بین بخشی از زنان سنندجی به یک کنش روزمره تبدیل شده است، تعدد مراکز فالگیری در سطح شهر به نوعی مؤید تقاضای اجتماعی به این قسم کنش اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به موارد فوق، مسأله اصلی این پژوهش، مطالعه کیفی دلالت‌های فالگیری، بسترها و پیامدهای فالگیری در نزد مشتریان فال در شهر سنندج است.

ادبیات پژوهشی

مروری هر چند گذرا بر ادبیات تجربی فالگیری نشان‌دهنده کثرت پژوهش‌های به انجام رسیده در این حوزه؛ به ویژه در چارچوب روش‌شناسی کمی دارد. این دسته از مطالعات، طالع‌بینی و دعانویسی را در ذیل رفتارهای خرافی دسته‌بندی نموده‌اند. بر مبنای مطالعات تجربی موجود، فالگیری ماهیت جنسیتی به خود گرفته است و زنان مهم‌ترین مشتریان فال به شمار می‌آیند (جانعلیزاده چوب‌بستی و همکاران، ۱۳۸۸؛ افشانی، ۱۳۸۵؛ خواجه‌زاده، ۱۳۸۵؛ رهنما فرد، ۱۳۸۳؛ سمیعی، ۱۳۸۱). در این دسته از مطالعات در تبیین فالگیری و گرایش به رفتارهای خرافی، با اتخاذ نگاه بیرونی به عواملی چون بخت‌گشایی، حل اختلافات زناشویی، شفا، یافتن اشیای گمشده، رفع نازایی، پسرزایی، استخاره، تعبیر خواب و کنجکاوی نسبت به آینده (خواجه‌زاده، ۱۳۸۵)، کمبود مراکز مشاوره و حقوقی و عدم حمایت عاطفی و قانونی از زنان (رهنما فرد، ۱۳۸۳)، پایگاه نازل اقتصادی - اجتماعی، میزان تقدیرگرایی (خواجه‌زاده، ۱۳۸۵؛ سمیعی، ۱۳۸۱)، بهره‌مندی نازل از وسایل ارتباط جمعی، سطح نازل نوگرایی (افشانی، ۱۳۸۵؛ جانعلیزاده چوب‌بستی و همکاران،

³ Emme

⁴ Zebb & Barbara

⁵ Peltzer

⁶ Griffiths & Bingham

⁷ Hamerman

⁸ McGregor

⁹ Buhrman & Zaugg

¹⁰ Bleak & Fredrick

¹ Tasseomancy

² palmistry

فالگیری رویکرد نوسازی است. یکی از جامع‌ترین تعاریف اثبات‌گرایانه از نوسازی، تعریف کلاسیک ویلبرت مور است. از نگاه این رویکرد، فرایند نوسازی عبارت است از: «دگرگونی کامل یک جامعه سنتی یا ماقبل مدرن به جامعه‌ای مدرن، تکنولوژیک و دارای سازمان اجتماعی مرتبط که از عقلانیت، ثبات سیاسی و رفاه اقتصادی برخوردار است (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷: ۶).

در این رویکرد، فالگیری، طالع‌بینی، افسونگری، و... در ذیل رفتارهای خرافی طبقه‌بندی می‌شود و با الصاق عنوان غیرمنطقی و غیرعقلانی، به‌عنوان شیوه‌های اتر دست‌یابی به معرفت از آنها یاد می‌شود. از این رو، «چنین کنش‌هایی خارج از دایره شناخت و دانش علمی در نظر گرفته می‌شود و به سطح فهم عامه تقلیل داده می‌شود» (نیومن، ۱۹۹۷: ۶۶).

بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در ذیل این رویکرد و با اتخاذ نگاه خطی و تکاملی در بیان سنخ‌شناسی جوامع، به توصیف و تبیین ماهیت و فرایندهای حاکم بر گذار از کنش‌های غیرعقلانی به کنش‌های عقلانی پرداخته‌اند. از نظر آگوست کنت، خرافه یکی از مراحل رشد ذهنی است و جوامعی که در این مرحله از تفکر واقع شده‌اند، از نظر سطح بلوغ، پایین‌تر از جوامع عقلانی هستند. به بیانی دیگر، جوامع رشد یافته و بالغ، عقلانی عمل می‌کنند و رفتارهای خرافی مختص جوامع نابالغ و رشد نیافته است» (افشانی، ۱۳۸۵: ۷۱). پارتو^۱ (۱۸۴۸)، نیز با تقسیم‌بندی رفتارهای انسانی به منطقی و غیرمنطقی، رفتارهای غیرمنطقی انسان را توجیهات و استدلال‌های نادرست مشتقاتی می‌داند که توجیه‌کننده رفتارهای غلط آدمی هستند» (کوزر، ۱۳۷۹: ۵۱۶). به زعم لوئی برول، در جوامع سنتی، جو فکری، عاطفی، شاعرانه و اساطیری است و زبان، فرهنگ قومی و مذهب، همه دست به دست می‌دهند تا ذهن در حال رشد فرد را چنان شکل دهند که پذیرای تداوم چیزی باشد که آن را به طور کلی خرافات می‌نامند؛ زیرا خود و جهان خارج هرگز به صورت کامل از

مطالعات پیمایشی مورد اشاره با اتخاذ موضع بیرونی از فرایندهای معنایی، تکوین و تغییر بسترها، دلالت‌های معنایی و پیامدهای فالگیری در زندگی فردی و جمعی مشتریان فال غفلت نموده‌اند. فاضلی (۱۳۸۷) در مقاله «فال، فرهنگ و فراغت»، ضمن مرور و نقد تبیین‌های موجود فالگیری، بر این باور است که باید به فالگیری به مثابه امری فرهنگی نگاه شود، این پدیده در بستر تحولات جامعه امروزی بررسی شود. جواهری (۱۳۸۱) در مطالعه کیفی دعانویسی با تلقی دعانویسی به مثابه یکی از اشکال دین عامیانه که از فرهنگ عامیانه نشأت می‌گیرد، بر این باور است که در ایران با وجود پیشرفت روزافزون پزشکی علمی، شیوه‌های سنتی شفایابی همچنان از مطلوبیت برخوردار است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، این امر گویای آن است که حرکت جوامع در مسیر تجدد و نوگرایی الزاماً با حذف شیوه‌های سنتی انجام امور همراه نیست؛ بلکه این شیوه‌های سنتی، به‌خاطر کارکردهایی که ایفا می‌کنند، همچنان باقی خواهند ماند. نوذری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان‌های فالگیری در ایران» با استفاده از نظریه نظم گفتار فوکو و تحلیل گفتمان، به بررسی گفتار کنشگران فالگیری و مقایسه آن با گفتمان علمی فال می‌پردازد. بر مبنای یافته‌های پژوهشی کنارگذاری و تفسیر سازوکار اصلی گفتمان علمی - رسمی در مواجهه با فال است. برحسب این دو سازوکار، فال، غیرحقیقی، غیرواقعی و شیادی است و کنشگران آن ساده‌اندیش و فاقد بینش علمی پنداشته می‌شوند؛ درحالی که کنشگران گفتمان غیررسمی که اغلب تحصیلکرده هستند، به فایده‌مندی فال در زندگی روزمره اشاره می‌کنند.

ادبیات نظری

در مطالعه فالگیری می‌توان به دو رویکرد اصلی تبیینی و تفهیمی اشاره نمود. در چارچوب رویکرد تبیینی، محقق به دنبال بررسی و شناسایی علل رفتار در یک مسیر علت و معلولی خطی است. یکی از قدیم‌ترین رویکردها در تبیین

¹ Pareto

معناهایی را فهمید که آن کنش را می‌سازد. فالگیری یک «سازه» یا نوعی «تولید اجتماعی» است. این پدیده همواره وجود داشته است؛ اما در هر دوره از تاریخ، متناسب با شرایط خاص آن دوره، برای این پدیده «معنای فرهنگی» و «کارکرد اجتماعی» خاص وجود داشته است؛ برای مثال، در گذشته‌های دور که انسان با «منطق اسطوره‌ای» می‌اندیشید، باورهایی از نوع فالگیری، با نظام و منطق اسطوره‌ای توجیه و تفسیر می‌شدند. در برخی جوامع، فالگیری با دین نیز مرتبط بوده است. در بسیاری از اقوام آفریقایی، نمونه‌هایی وجود دارد که فالگیری با آیین‌های دینی آنها درآمیخته است و توجیه و معنای دینی دارد. به هر حال، فالگیری کنشی است که معنای آن در بستر و زمینه فرهنگی‌اش شکل می‌گیرد. در عین حال، پدیده فالگیری با کلیت زندگی اجتماعی ما در ارتباط است؛ از این رو، نمی‌توان آن را مجزا از زندگی یا خارق‌العاده تصور کرد» (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۸۱). انسان‌شناسانی چون مالینوفسکی و ریموند فرت کوشیده‌اند تا جادو را در زمینه روزانه‌اش مطرح کنند و اهمیت و نقش جادو را در سازماندهی و تنظیم فعالیت‌های سازنده نشان دهند. فرت چنین استدلال می‌کند که جادو هاله تقدسی را بر عملیات فنی می‌افکند و چنان اعتباری برای این عملیات فراهم می‌آورد که باعث می‌شود افراد آنها را بسیار جدی بگیرند. جادو مکان کار و مراحل گوناگون را مشخص می‌سازد و به همین دلیل وسیله مفید و سازمان‌دهنده‌ای است. جادو به انسان اعتماد می‌بخشد و اضطرابش را تخفیف می‌دهد و در صورت شکست، تبیین جانشین را فراهم می‌سازد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۷۷).

با توجه به ماهیت پیچیده، سیال و زمینه‌محور فالگیری، در پژوهش حاضر برای ارتقای حساسیت نظری از رویکرد برساختی تفسیری برای رجوع به میدان فالگیری بهره گرفته می‌شود. در این رویکرد، تمایز بین عمل و کردار خرافی و غیرخرافی بر مبنای خرد عامه مشخص می‌شود. در این رویکرد، به جای شناخت و تصدیق حقیقت پدیده‌ها، به دنبال کندوکاو و اکتشاف فهم و بینش کنشگران از پدیده مورد

هم تفکیک نمی‌شوند، در نتیجه، مفاهیم رمزی - جادویی در سراسر زندگی شخص بر تفکر او فرمان می‌دهد؛ اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارد، اندیشه اولیه کنار گذاشته و نفی می‌شود و به جدا شدن از محیط و تشکیل یک جهان‌بینی کمک می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

بر خلاف رویکردهای کمی که از مشتریان فال صرف نظر کرده و بر نرخ و آمارهای رسمی تأکید می‌کند، در رویکرد تفسیری، تلاش می‌شود تا با تمرکز بر معنایی که فال برای افراد دارد و توصیف و کندوکاو در تجربه دورنی، فرد و وضعیت اجتماعی او مدنظر قرار گیرد و از منابعی استفاده شود که محقق را هرچه بیشتر به دنیای دورنی مشتریان فال نزدیک نماید. در چارچوب رویکرد تفسیری، فالگیری به مثابه امر فرهنگی و در چارچوب فهم و باور عامه تلقی می‌شود. بر این اساس، فهم عامه هدایتگر افراد عادی در زندگی روزمره است و از آن برای تبیین و سازماندهی رویدادها در زندگی روزمره بهره گرفته می‌شود. فهم عامه حاوی معانی‌ای است که افراد در تعاملات اجتماعی روزمره آن را به کار می‌گیرند. فهم عامه یک منبع شناختی اساسی برای افراد است. فهم عامه و معنای واقعیت از جهت‌گیری عمل‌گرایانه و مجموعه‌ای از مفروضات در باب جهان نشأت می‌گیرد (نیومن^۱، ۱۹۹۷: ۷۰-۷۱). عنوان رویکرد تفسیری در برگزیده شماری از نظریات جامعه شناختی، نظیر: پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، تأویل‌گرایی، کنش متقابل نمادین و سازه‌گرایی است که بر سطوح خرد زندگی اجتماعی تأکید دارند و پدیده‌های اجتماعی در سطوح میانی و کلان را در چارچوب نظام معنایی و تعاملات اجتماعی مفهوم سازی می‌نمایند.

در چارچوب رویکرد تفسیری، فال، برای مراجعه‌کنندگان به فالگیر و فالگیرندگان، در بردارنده یک معنای اجتماعی است. معنای خاص این کنش به نظام معنایی فرهنگی وابسته است که کنشگران اجتماعی در آن سهیم هستند؛ از این رو، برای فهم یک کنش اجتماعی خاص (مانند فالگیری)، باید

^۱ Neuman

شد. آمار دقیقی از تعداد مراکز فالگیری در شهر سنندج در دست نیست. همچنین با توجه به اینکه محدودیت قانونی برای فعالیت مراکز فالگیری وجود دارد؛ اما برخی از این مراکز به صورت پنهانی فعالیت می‌کنند. محقق در طی انجام تحقیق به ۱۲ مرکز فالگیری در سطح شهر مراجعه کرد و از نزدیک فرایند گردآوری داده‌ها را انجام داد. در این پژوهش از نمونه‌گیری گلوله‌برفی برای دستیابی به افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. گردآوری داده‌ها، از راه مصاحبه عمیق بوده است.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش زنان ۲۱ تا ۳۸ ساله‌ای بودند که در شهر سنندج به یکی از مراکز فالگیری مراجعه نموده‌اند. بر این اساس، کلیدی‌ترین افراد مشاهده و مطالعه شده‌اند تا اشباع نظری^۱ فرارسد و همین اشباع نظری مرحله پایانی نمونه‌گیری بوده است. تعداد نمونه در این پژوهش، بسته به حد کفایت رسیدن برای نتیجه‌گیری نظری است که این مهم در فرایند تحقیق حاصل می‌شود. در این مصاحبه، با هدف گردآوری اطلاعات لازم از مطلعان، به انجام مصاحبه‌های مختلفی با مشتریان فال (مراجعه‌کنندگان به مراکز فالگیری) در شهر سنندج پرداخته شد. پس از انجام ۲۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، اشباع نظری حاصل شد و برای اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا ۳۰ نفر ادامه یافت.

راهبرد تحلیل داده‌ها: در نظریه مبنایی از سه مرحله کدبندی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شود، مصاحبه‌های انجام شده به صورت خط به خط تحلیل و کدگذاری شده است. در ابتدا و در مرحله کدگذاری باز مفاهیم پدیدار شدند. در ادامه و در مرحله کدگذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و خصایص مرتبط بودند، گردآوری و به محوریت یک مقوله سازماندهی شدند.

بررسی است. در رویکرد برساختی تفسیری، فالگیری به مثابه امر فرهنگی و اقتضایی تلقی می‌شود و نوعی تمهید ذهنی در مواجهه با مخاطرات پیش‌رو و شرایط ناپایدار، متزلزل و تهدیدآمیز است. این نوع تمهید ذهنی از گنجینه معرفتی باورهای عامه تغذیه می‌کند. به میانجی مناسک و فعالیت‌های جادویی و رمزآلود، افراد درگیر در چنین فعالیت‌هایی تصور می‌کنند که کنترل‌شان بر منابع مخاطره‌آمیز محیطی، افزایش و فشارها و اضطراب محیطی در آنها تنزل و کاهش می‌یابد (کینان، ۱۹۹۴: ۸۱؛ به نقل از ربانی و دیگران، ۲۰۱۳: ۷۵).

روش پژوهش

انتخاب روش: «به دلیل تناسب روش‌شناسی کیفی برای کشف پیچیدگی‌ها و زوایای پنهان یک پدیده، برای تفسیر تجربه زیسته متفاوت و جهان عینی و ذهنی زنان در کنش فالگیری از روش‌شناسی کیفی بهره گرفته می‌شود. یکی از رایج‌ترین رویکردهای روش کیفی، نظریه مبنایی است که یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده ایجاد نماید» (استراس و کورین، ۱۳۸۵: ۲۳). «نظریه مبنایی یکی از روش‌های مستقل پژوهش‌های کیفی است که نظام کارآمد و روشمندی برای گردآوری، سازمان‌دهی و تحلیل داده‌ها فراهم می‌کند. در این روش در طی فرایندی رفت و برگشتی به تدریج از دل کدها، مفاهیم، از دل مفاهیم، مقوله‌ها و از دل مقوله‌ها نظریه بیرون می‌آید» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۶۵).

میدان پژوهش: میدان مطالعه با توجه به تعدد مراکز فالگیری شهر سنندج است. این موضوع با توجه به گسترش مظاهر نوگرایی؛ از جمله تعدد مراکز دانشگاهی، افزایش دسترسی زنان به مراکز علمی و به تبع آن، افزایش سطح تحصیلات زنان، دسترسی به مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی، گسترش میدان تعاملاتی زنان در شهر سنندج اهمیت دوچندان یافته است. دسترسی محقق به این مراکز از طریق پرس‌وجو از افراد مختلف و بحث و گفتگو با دوستان در مورد فالگیری، در مهمانی‌ها و جمع‌های دوستانه انجام

¹ Theoretical Saturation

تنظیم شده‌اند و تلاش شده است تا به سؤال‌های تحقیق پاسخ داده شود. در این بخش شرایط، بسترها، تعاملات و پیامدهای پدیده فالگیری بر اساس نظریه مبنایی به تصویر کشیده شده است. شایان ذکر است که در آوردن نقل قول‌ها از اسامی مستعار استفاده شده است. یافته‌های گردآوری شده در این تحقیق بیانگر این هستند که عوامل گوناگونی در ظهور این پدیده و تحقق آن به شکل کنونی نقش و دخالت داشته‌اند. این عوامل از مجموع مصاحبه‌ها و دیگر یافته‌ها از قبیل مشاهدات استخراج و در چند سطح (مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله هسته) تلخیص و طبقه‌بندی شده‌اند. در سطح مفاهیم، حدود ۵۷ مفهوم استخراج شده بود که با توجه به اصل قرابت محتوایی و معنایی در هفت مقوله کلی‌تر و جامع‌تر طبقه‌بندی شدند؛ به گونه‌ای که هر کدام بتوانند مفاهیم با قرابت بیشتر را زیر پوشش قرار دهند. دست آخر، مقوله‌های به دست آمده را در مقوله‌ای بسیار کلی‌تر تلخیص نمودیم. این مفاهیم و مقوله‌ها در جدول (۱) تلخیص شده‌اند.

بدین ترتیب، پس از فرایند مصاحبه‌ها به کدها و زیر مقوله‌ها در کدگذاری باز، در این مرحله به دسته‌بندی و مرتبط‌کردن آنها حول یک محور موضوع‌های اصلی پرداخته شد. کدگذاری گزینشی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوع‌هایی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها به منظور پدیدآیی مقوله اصلی و نظریه انجام می‌شود. طبق مدل نظریه مبنایی، داده‌هایی که نشانهای از حوادث، وقایع و اتفاقات منجر به وقوع یا گسترش فالگیری داشت، تحت شرایط مقدم قرار گرفت و عکس العمل‌های نتیجه و حاصل کنش برای فرد به عنوان تأثیرات و پیامدهای فالگیری مشخص شد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

یافته‌های پژوهش

زمینه‌ها و بسترهای فالگیری

در این بخش داده‌ها و یافته‌های گردآوری شده، ساماندهی و

جدول ۱- مفاهیم و مقولات استخراج شده

نوع مقوله	مقولات ظهور یافته (از ۳۰ مصاحبه)	مقولات (۷)	مفاهیم (۵۷)
شرایط علی	۲۳	فشار اجتماعی	شکست عشقی، مشکلات شخصی، ناکامی، مشکلات زندگی زناشویی، شکست عشقی، طلاق، بی وفایی، طلاق، بخت‌گشایی، مسائل شغلی، مشکلات خانوادگی
شرایط علی	۲۱	آینده‌نگری	کنجکاوی نسبت به آینده، امیدوار شدن به زندگی، آرامش بخشی، علاقه شخصی، رهایی از ناامیدی، حس ششم، لذت طلبی
شرایط مداخله‌گر	۲۷	مردن شدن فالگیری	فالگیر به مثابه مشاور، راستگویی، هزینه پایین، خوش اخلاق بودن فالگیر، تعریف مراجعان، قدرت پیشگویی، ترفندهای روان‌شناسی، خبره بودن فالگیر، درست از آب درآمدن حرف فالگیر، اعتماد به فالگیر، درد دل با فالگیر، اعتیاد به فال، گفتگو با فالگیر
زمینه	۲۴	کلیشه‌های جنسیتی	احساساتی بودن زنان، خرافاتی بودن زنان، نداشتن اعتماد به نفس، نداشتن آزادی، فشارهای عاطفی، ناتوانی در تعیین سرنوشت، تقدیرگرایی، زنانه پنداشتن فالگیری
شرایط علی	۲۳	روزمرگی زنانه	فقدان آگاهی جنسیتی، یکنواختی زندگی، زندگی تکراری،
زمینه	۲۵	فردی شدن باورها	بی‌اطلاعی از دستورهای دین در باب فال، شریک قائل شدن برای خدا، بی‌تفاوتی نسبت به نگاه دین به فالگیری، تفسیر فردی از دین، مذهبی نبودن، اعتقاد به قلمرو غیر تجربی، دور شدن از خدا
شرایط علی	۲۱	فقدان حمایت اجتماعی	ارتباط اجتماعی صوری، رسمی شدن روابط، بی‌عاطفه شدن، بی‌پناهی، احساس تنهایی، بی‌وفایی، دغدغه پذیرش، نیاز به گفتگو

فقدان حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است و به میزان برخورداری فرد از کمک، محبت، همراهی، مراقبت، احترام و توجه افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگران مهم دلالت دارد. مصاحبه‌ها و مشاهدات پژوهشگر نشان می‌دهد که زنان به علت دل‌مشغولی‌های مداوم نسبت به فقدان حمایت‌های اجتماعی به فالگیر پناه می‌جسته‌اند، در این باره "ش ۳۶" ساله چنین می‌گوید: «آخه کسی نیست کمکم کنه. خیلی دوست دارم یکی واسطه باشه مشکلم حل بشه؛ ولی نیست. دوست دارم کارم از راه منطقی و مشورت حل بشه؛ ولی کسی نیست؛ تنها راهش همین فالگیره. جدیداً هر مشکلی برام پیش بیاد، میام پیش فالگیر ... اگه واقعاً حل کنه، حاضریم میلیونی پول بدم. از بهمن ماه نزدیک ۸۰۰ هزار تومان خرج کردم؛ ولی نتیجه‌ای نگرفتم.»

"م ۲۱" ساله مجرد نیز در این باره اظهار داشت: «وقتی نمی‌تونم مشکلم رو حل کنم و هیچ راه دیگه‌ای وجود نداره، میام پیش فالگیر. بعضی وقت‌ها از زندگی ناامید می‌شم؛ کسی هم نیست که کمکم کنه و از ته دل باهاش حرف بزنم. فالگیر بهترین انتخابیه که می‌تونم داشته باشم.»

آینده‌نگری: همه انسان‌ها در طول تاریخ این حس را داشته‌اند که از آینده مطلع شوند. البته، کسانی که نسبت به آینده احساس عدم امنیت می‌کنند، دانستن اینکه چه اتفاقی برای آنها ممکن است رخ دهد، لذت‌بخش یا آرام‌بخش‌تر است؛ اما برای کسانی که احساس بدی نسبت به آینده ندارند نیز وقوف به آینده لذت‌بخش و هیجان‌آفرین است» (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۵). کنجکاو نسبت به آینده و اطلاع از آینده، یکی از انگیزه‌های فالگیری است. "م ۲۳" ساله مجرد علت مراجعه خود به فالگیر را این‌گونه عنوان می‌کند: «نسبت به آینده‌ام کنجکاویم. دوس دارم ببینم چه اتفاقاتی در انتظارم هست. یه مشکل داشتم، اومدم پیش فالگیر که شاید فالگیر مشکلم رو حل کنه. با توصیه‌های فالگیر راحت می‌تونم با مشکلاتم کنار بیام.» "س ۲۱" ساله دانشجو نیز در این خصوص اظهار داشت: «واقعاً من

خیلی ناامید بودم. رفتم پیش فالگیر که امیدوارم کنه. شاید فالگیرها واقعاً شخصیت‌شناس هم هستند، می‌دونن که درون انسان چی می‌گذره. من خیلی حالم خراب بود، دوستانم بهم گفتن برو پیش فالگیر، ببین این پسری که تو اینقد دوشش داری و نگرانشی، اصلاً به دردت می‌خوره یا نه. می‌خواستم ببینم پسر منو واقعاً می‌خواد.»

بدبینی و تردید زنان مورد مصاحبه نسبت به محیط اجتماعی و هنجاری موجب شده است تا آنها به پیش‌بینی آینده رغبت پیدا نمایند. "س ۲۹" ساله و متأهل در این خصوص اظهار داشت: «برای اینکه بدونم آینده‌ام چی می‌شه. کنجکاویم نسبت به آینده‌ام. با شوهرم خیلی اختلاف دارم. به عنوان یه راه نجات میام پیش فالگیر برای حل اختلافمون.» "س ۲۷" ساله مجرد در این باره اظهار داشت: «برای اطلاع از آینده‌ام، ازدواجم، کلاً بدونم زندگی آینده‌ام چی می‌شه، من واقعاً به این فالگیر اعتقاد دارم. اگر اعتقاد داشته باشی، هرچی بگه برات اتفاق میفته.»

فشارهای اجتماعی: یکی از مسائلی که به وضوح در مراکز فالگیری مشاهده می‌شود، مراجعه زنان برای بخت‌گشایی است؛ فشارهای اجتماعی برای ازدواج از یک طرف، مهیا نبودن شرایط ازدواج از طرف دیگر، موجب شده است دختران جوان به عنوان راه چاره به فالگیر رجوع کنند. در این زمینه "ف ۴۰" ساله مجرد اظهار داشت: «خب من الان سنم بالا رفته؛ ولی خواستگار ندارم. این شرایط برام عذاب‌آور، تحمل نگاه اطرافیان رو ندارم. واقعاً ازدواج نکردن تو جامعه ما مصیبتیه. از فالگیر می‌خوام برام دعا بنویسه که شاید بختم باز بشه.»

ناکامی اجتماعی یکی دیگر از دلایل و زمینه‌های مراجعه به مراکز فالگیری است. بسیاری از زنان برای گریز از واقعیت‌های خشن زندگی فالگیری را انتخاب کرده‌اند؛ مثلاً "ش ۲۳" ساله در این باره می‌گوید: «به‌خاطر راه چاره و فرار از مشکلات اومدم فال بگیرم و ببینم که فالگیر می‌تونه مشکل من رو حل کنه. بیست سالم بود که طلاق گرفتم؛ چون شوهرم معتاد بود.

بدیهی خود پذیرفته‌اند. "ز" ۲۴ ساله و مجرد در خصوص دلایل مراجعه به فالگیر چنین می‌گوید: «به‌نظرم زنان به‌خاطر اینکه خیلی احساساتی هستن، بیشتر می‌رن سراغ فالگیر؛ مثلاً پسرا برایشون شکست عشقی مهم نیست؛ میگن این دختر نشد، یکی دیگه؛ ولی من می‌گم نه فقط و فقط پسری رو می‌خوام که دوشش دارم. به‌نظرم دخترا نسبت به پسرا صادق‌اند، و مسلماً اگر یه پسر بهش خیانت کنه و بهش دروغ بگه، بیشتر افسرده می‌شه. حس می‌کنم زنان به این خاطر می‌رن پیش فالگیر که نمی‌تونن سرنوشت خودشون رو رقم بزنن، ناتوان هستن، بیکارند، کاری ندارند که روش تمرکز کنند و سرگرم بشن، بیشتر وقت خودش رو با مسائل کم اهمیت می‌گذرونه، که باعث می‌شه به چیزهای بیهوده‌ای فکر کنه و بره پیش فالگیر که دلخوشیش بده. پسرا اگر از یه مسأله‌ای ناراحت باشن، می‌رن بیرون از سرشون بیرون می‌ره. ساعت ۲ شبم برگرده کسی کاریش نداره؛ ولی اگر دختر ساعت ۸ بیاد خونه، کلی بازخواست می‌شه، و بهش می‌گن تو ضعیفه‌ای و همین احساس ضعف باعث می‌شه زنان بیشتر تمایل داشته باشن برن پیش فالگیر. واقعاً زنان افسرده‌اند.» "ش" ۲۶ ساله نیز در این خصوص چنین می‌گوید: «چون زنان بیشتر احساساتی و خرافاتی هستن، زنان اعتماد به نفس ندارند؛ ولی مردان به خودشون متکی هستن. زنان موجودات ضعیفی هستن. مردان مشغول هستن؛ مثل ما زنان بیکار که نیستن.» در این مورد "ز" ۲۹ ساله معتقد است: «همیشه پای یک مرد در میان است. ۹۰ درصد مشکلات برمی‌گرده به مردان. زنان موجودات وابسته‌ای هستن، اعتماد به نفسشون ضعیفه، به خودشون متکی نیستن، آویزان هستن.»

روزمرگی: روزمرگی به انجام اعمال روزانه‌های دلالت دارد که فرد در فرایند انجام آن به هیچ‌گونه رشد فکری دست نمی‌یابد. زنان مراجعه‌کننده به فالگیر هم به نوعی روزمرگی دچار شده‌اند؛ برای مثال، در پاسخ به این سؤال که عموماً چه افرادی به فالگیر مراجعه می‌کنند، "پ" ۴۵ ساله در این باره چنین پاسخ داد: «راستش خیلی زندگیم تکراری شده. هر روز که بیدار می‌شم، تا شب همش کارهای تکراری انجام می‌دم. دوس دارم زندگیم یه تنوع داشته باشه، حالا با فال باشه یا هر چیز دیگه‌ای. فال گرفتن منو از اون حالت افسردگی نجات می‌ده.» "ن" ۲۶ ساله این‌گونه اظهار نظر می‌نماید: «می‌دونم اصولاً بیشتر

اولین بار استخاره^۱ گرفتم، بهم گفت تا بهمن طلاق می‌گیری، یه معجزه اتفاق می‌افتد برات و از این جور حرف‌ها.»

برخی از زنان برای جبران این فشارها و اضطراب‌ها به فالگیر مراجعه می‌کنند. برای این دسته از زنان فالگیری نوعی تخیل و تسکین دهنده به شمار می‌آید. "ک" ۲۴ ساله در این باره می‌گوید: «همیشه می‌رم پیش فالگیر. اولش احساس ناامیدی می‌کنم؛ ولی واقعاً بهم امید می‌ده. حرفهاشون مثل مواد مخدره برای یه آدم معتاد. انگار نعوذ بالله خدا داره برام حرف می‌زنه. مثل اینکه نماز می‌خونم و خدا بعدش بهم می‌گه این اتفاق برات میفته و بهم امید بده! تا این حد بهش اعتقاد دارم.»

کلیشه‌های جنسیتی: کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ای از باورها درباره خصوصیات همه اعضای گروهی خاص است، کلیشه دربرگیرنده اطلاعاتی درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل است» (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۲: ۲۸). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌ها، رفتار و حالات روانی خاص هستند و در نهایت، قابلیت انجام اموراتی را دارا هستند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند. کلیشه‌سازی از ظرفی خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره‌اند» (اعزاز، ۱۳۸۰: ۴۵).

در فرهنگ ما، اینکه مرد نباید گریه کند، زن احساساتی است و نمی‌تواند قضاوت درستی بکند، یا اینکه زن ترسو، خرافاتی و نازک‌دل است؛ مرد عقلانی، سنگ‌دل، سلطه‌گر و پرخاشگر است، در زمره کلیشه‌های جنسیتی به‌شمار می‌رود. زنان مورد مصاحبه بارها به این کلیشه‌های جنسیتی اذعان کرده و آنها را به مثابه صفات و مشخصه‌های ذاتی، طبیعی و

^۱ استخاره در لغت به معنی طلب خیر کردن و نیکویی جستن است. استخاره با قرآن، تسبیح، ورقه و رقع (ذات الرقاع) انجام می‌شود. بین استخاره و فال تفاوت‌هایی وجود دارد: تفأل، پیش‌بینی و حکم به وجود یا فقدان نفع و خیر امری از امور است؛ اما استخاره، پرسش از بود یا نبود این خیر و نفع است. در تفأل از نیک آمدن فال، پیش‌بینی و استنباط و بلکه به عقیده جازم حکم می‌کنند که از آنچه در پیش دارند، نتیجه خوب می‌گیرند؛ ولی در استخاره باید به هر نیک و بدی که حکم استخاره باشد، عمل کنند (خلعت‌بری لیمایی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

تحصیل‌کرده مورد مصاحبه، نگاه فردباورانه‌ای به دین دیده می‌شود و این دسته از زنان قائل به سخت‌گیری دین در مورد فال و جادو نیستند و تفاسیر فردی از این مسأله ارائه می‌دهند. در پاسخ به این سؤال‌ها که «تا چه حد به دستورهای دینت عمل می‌کنی؟ روایات و دین چه نگاهی به فالگیری دارند؟» "ر" ۲۹ ساله چنین می‌گوید: «من به سری اعتقادات خاصی دارم در مورد دینم. به راز و نیاز مخصوص خودم رو با خدا دارم. به حرف دلم گوش می‌کنم. فالگیری هم نوعی سرگرمی هست و زیاد به این که با دین منافات داره یا نه برام مهم نیست.» "م" ۲۳ ساله در این باره چنین اظهار نظر می‌نماید: «آدم مذهبی نیستم و به دستورهای دین عمل نمی‌کنم؛ شاید در آینده بتونم به دینم عمل کنم. اطلاع دارم که فالگیری گناه هست از لحاظ دینی، ولی مهم نیست.» "ک" ۲۴ ساله در این باره می‌گوید: «نمی‌دونم. تا الان به این فکر نکردم که فال با دین منافاتی داشته باشه و اطلاع ندارم. البته، شنیدم می‌گن اگر به فال خاصی رو بگیری تا ۴۰ روز نمازت قبول نیست.» "آ" ۲۹ ساله در این خصوص اظهار داشت: «هرچند قرآن می‌گه که به غیر خدا از کسی کمک نخوایم و شریک برای خدا قرار ندیم و کسی علم غیب نداره؛ ولی آدم دیگه یهو وسوسه می‌شه و دوست داره بره طالع‌اش رو بگیره. بعضی فالگیرها چیزهای نادرستی به آدم می‌گن. به هر قیمتی ارزش نداره بری و عقاید خودت رو زیر پا بذاری؛ ولی خب دیگه دینم زیادی سخت گرفته. فال نگیریم، چیکار کنیم؟» "ن" ۲۵ ساله مجرد دانشجویی در این باره می‌گوید: «زیادم مذهبی نیستم. به نظرم فالگیری وقتی با دین منافات داره که آدم برنامه زندگی‌ش رو بر مبنای فال بذاره؛ وقتی برای تفریح و سرگرمی باشه، به نظر من منافاتی نداره. به چیزی هست که به زندگی آدم هیجان می‌ده. به بازی وقتی بر حسب شرط بندی باشه حرامه؛ ولی اگه شرط بندی نباشه، برای تفریح باشه، حرام نیست.»

تجربه و درک زنان از فالگیری (تعاملات)

مشکل‌گشایی: مصاحبه‌ها و مشاهدات گویای آن است که برخی از زنان برای دستیابی به خواسته‌ها و رفع موانع پیش‌رو در زندگی از فالگیر می‌خواهند برای آنان دعا بنویسد؛ دعایی

آدم‌هایی که میان، گذشته هاشون مثل هم هست. زنی که ۹ سال کارش اینه، خب دیگه معلومه بلده به مشتری‌هاش چی بگه. به روان‌شناس ماهر هستن. اکثراً مشکلاتشون بهم شبیه هست.»

مدرن شدن فالگیری: اماکن فالگیری امروزه مدرن شده و شکل مطب پزشکان به خود گرفته است؛ گرفتن وقت قبلی، هماهنگی با فالگیر، اتاق انتظار و وجود منشی در مراکز فالگیری، از نشانه‌های مدرن شدن فالگیری است. "ر" ۲۶ ساله در پاسخ به این سؤال که: «آیا با فالگیرها هماهنگ می‌کنید یا بدون وقت قبلی مراجعه می‌کنید؟» می‌گوید: «آره هماهنگ می‌کنم. الان همه فالگیرها اینجورین که قبل از رفتن باید حداقل به تماسی با هاشون بگیرن. بعضی وقتا شده که من نفر ۳۰ام بودم، بعضی فالگیرها وقت می‌دن و می‌گن از ساعت ۱۰ تا ۱۱ بیا؛ ولی باز شلوغ هستن با وجود اینکه وقت قبلی دارم؛ ولی باز به ۲۰ نفری هستن.»

یکی دیگر از ابعاد مدرن شدن فالگیری، روان‌کاوانه شدن فالگیری است. برخی از فالگیرها به راحتی ذهن فرد را می‌خوانند و با نگاه به چهره و تحلیل غمگین و شاد بودن مراجعان، مبادرت به گرفتن فال می‌کنند. به نظر برخی از مراجعه‌کنندگان، فالگیرها از حس ششم استفاده می‌کنند. "س" ۲۵ ساله دانشجویی از روان‌شناس بودن فالگیر سخن می‌گوید: «به نظرم نه حدس می‌زنند، نه پیشگویی می‌کنند، از ترفندهای روان‌شناسی استفاده می‌کنند. این فالگیر که من میام پیشش، لیسانس روان‌شناسی از دانشگاه اربیل عراق داره، حتی روزهای پنجشنبه و جمعه مشاوره روان‌شناسی می‌ده.» "س" ۲۶ ساله دانشجویی می‌گوید: «وقتی میرم پیش فالگیر کامل گوش می‌کنم، چون فالگیرها روان‌شناسی شون قوی هست؛ راحت می‌دونن از حرفی که من می‌زنم، استفاده کنن و به چیزهایی بهش اضافه می‌کنن و دوباره تحویل خودم میدن.»

فردی شدن باورها: امروزه متأثر از مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی و افزایش سطح تحصیلات، ردپای چندگانه شدن زیست‌جهانهای اجتماعی و فردی شدن باورها؛ به ویژه در میان زنان جوان و تحصیل‌کرده دیده می‌شود. در میان زنان

بگذرانند. یکی از فرض‌های مسلم عصر مدرن و پسامدرن این است که اوقات فراغت برای حوزه‌های عاطفی یا احساسی شخص فرصت‌هایی را فراهم می‌آورد تا بتواند بر خودآگاه و معقول خویش چیره گردد و برای مدتی آن را کنار بگذارد» (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۱: ۱۹۶). امروزه فالگیری به مثابه نوعی «تفریح فرهنگی» کارکردهای فراغتی فالگیری را تقویت و تکمیل نموده است.

یکی از ابعاد مهم فالگیری تناسب و نسبت آن با فردیت است. در شرایط امروز فرد احساس می‌کند با انجام فالگیری فردیت خودش را محقق می‌کند. هنگام فالگیری فرد می‌تواند از چیزهایی لذت ببرد که خودش انتخاب کرده است. فردیت؛ یعنی اولویت دادن به خواست‌ها و ارزش‌هایی که لزوماً ریشه تاریخی یا در ساختارهای جمعی سنتی ریشه ندارد؛ بلکه معیار مشروعیت آن پذیرش و میل فرد است. فردی که اقدام به فالگیری می‌کند، دقیقاً رفتاری خارق‌العاده انجام می‌دهد که ممکن است با برخی ارزش‌های دینی یا عقلانی سازگار نباشد. دقیقاً این «سریچی اجتماعی» است که برای او تولید هیجان می‌کند و هنگامی که او را سرزنش می‌کنند که چرا پولت را بیهوده هزینه می‌کنی، با قاطعیت می‌گوید: دلم می‌خواهد، دوست دارم، از این کار لذت می‌برم. فالگیری برای دختران جوان و تحصیل‌کرده بخشی از فرایند امروزی شدن است» (فاضلی، ۱۳۸۷).

از منظر زنان مورد مصاحبه، فالگیری نوع تفنن، سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت و لذت بردن است. بخشی از این لذت در نتیجه ارضای حس کنجکاوی و بخصوص کنجکاوی درباره آینده افراد برآورده می‌شود. «گ" ۲۵ ساله در پاسخ به این سؤال که: «برای چه موضوعاتی به فالگیر مراجعه می‌کنید؟» می‌گوید: «برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغتم اومدم فال بگیرم. پول زیاد آدم رو می‌کشد به سمت این چیزا دیگه. یکی از دوستانم به فال اعتقاد داره، از یه فالگیر خیلی تعریف می‌کرد، به منم توصیه کرد که برم فال بگیرم.» «س" ۲۶ ساله مجرد اظهار می‌دارد: «من به فال به عنوان یه سرگرمی نگاه می‌کنم. اطمینان کامل ندارم. فالی

که مهر و محبت ایجاد کند و از این طریق توجه همسر را جلب نماید.» «ش" ۲۳ ساله در این باره می‌گوید: «بعضی فالگیرها دعا هم می‌نویسند. خودم ازش می‌خوام برام دعا بنویسه، برای اینکه بتونم با فرد مورد علاقه‌ام ازدواج کنم؛ مثلاً برام دعا نوشته که مهر و محبت من بیفته تو دل خانواده پسره و راضی بشن ما با هم ازدواج کنیم. البته؛ من فقط به این فالگیر اعتقاد دارم و کار اینو قبول دارم.» «ف" ۴۰ ساله و مجرد در این باره اظهار داشت: «از فالگیر خواستم برام دعا بنویسه که با یکی از فامیلامون ازدواج کنم. برام دعا نوشت و یه چیزهایی بهم داد که بریزم تو چایی و بخوره. این کارها رو کردم؛ ولی تأثیری نداشت.»

فالگیری به مثابه پاتوق زنانه: امروزه مراکز فالگیری به پاتوق‌های زنانه تبدیل شده است. زنان در این مراکز اغلب با هم گفتگو می‌کنند، پای درد دل هم می‌نشینند و در مورد کار فالگیرهای مختلف بحث می‌کنند و بهترین فالگیرها را به یکدیگر معرفی می‌کنند؛ برای مثال، «ک" ۲۴ ساله می‌گوید: «معمولاً با هم گفتگو می‌کنیم؛ مثلاً می‌پرسم کارش خوبه، برای شما کارش درست بوده، یا می‌گن دعا برام نوشته خوب بوده، گذشته‌ام رو کامل درست گفته، بیشتر باهم حرف می‌زنیم. تو حرفه‌اشون فالگیر و حرفه‌اش رو تأیید میکنی.» «س" ۲۹ ساله نیز در بیان تجربه خود چنین می‌گوید: «اونجا اتفاقاً با چند نفری آشنا شدم که عین مشکل منو داشتند. خیلی خوشحال شدم که یه همدرد پیدا کرده‌ام. از اون روز به بعد با هم تصمیم می‌گرفتم چکار بکنیم و به کی مراجعه کنیم.» «ش" ۲۳ ساله و مجرد در این باره می‌گوید: «بیشتر وقت‌ها هم که با دوستانم حرف می‌زنم، چون یک درد مشترک داریم بهشون توصیه می‌کنم برن پیش فالگیر؛ چون حداقل اون فضا و شرایط براشون عوض می‌شه.» «س" ۲۶ ساله و مجرد نیز در این خصوص اظهار می‌دارد: «از بعضی فالگیرها وقت می‌گیرم و بعد می‌رم، راستش دوس دارم منتظر بمونم؛ چون تو این فاصله با بقیه مشتری‌ها حرف می‌زنم، درد دل می‌کنم؛ کلاً فضای جالبی هست؛ یه تغییری تو زندگی آدم ایجاد می‌شه.»

فراغتی شدن فالگیری: بیشتر فعالیت‌های اوقات فراغت فرصتی را پیش می‌آورد که انسان از حالت رسمی بیرون آید و از قید و بندهای زندگی عادی و کاری رهایی یابد و خوش

که برام گرفته، بعضی حرف‌هاش درست بوده و برام اتفاق افتاده؛ ولی دلیل نمی‌شه بهش اطمینان کامل داشته باشم.»

آثار و پیامدهای فالگیری

تخلیه روانی: بنا به اظهار زنان مورد مصاحبه، آنها با مراجعه به فالگیر به زندگی امیدوار می‌شوند. هر چند این امیدواری موقتی و مقطعی است؛ اما در کاستن استرس و اضطراب آنان مؤثر بوده است. بنا به گفته‌های زنان مراجعه‌کننده بعضی وقت‌ها در گرفتاری‌های مختلف چنان سردرگم می‌شوند که نیاز فوری به تخلیه روحی و روانی پیدا می‌کنند. به زعم این دسته از زنان، دردهایشان را هم به هر کسی نمی‌توانند بگویند و چاره را در مشورت و درددل با دیگران می‌بینند. زنان با این کار می‌خواهند نوعی امنیت روانی به دست آورند و حتی اگر به زبانی و قول و وعده هم باشد، از مشکلات روحی که به آن دچار شده‌اند، رهایی پیدا کنند. اظهارات فالگیرها لذت‌بخش و امیدوار کننده است. به همین دلیل، زنان برای حل مشکلات و گرفتاری‌ها به فالگیر مراجعه می‌کنند تا شاید با درددل نمودن با فالگیر از لحاظ روحی - روانی تخلیه شوند. "ک" ۲۴ ساله در پاسخ به این سؤال که «فالگیری چه تأثیری در زندگی شما داشته است؟» می‌گوید: «بعضی وقت‌ها از ناامیدی‌هام کم کرده؛ چون من نمی‌تونم مشکلاتم رو پیش خانواده‌ام بگم؛ با فالگیر بهتر می‌تونم حرف بزنم و مشکلاتم رو مطرح کنم. دلم رو خوش کرده و از غم‌هام کم کرده.» "ز" ۲۹ ساله در این باره چنین اظهار نظر نموده است: «خیلی راضی‌ام؛ چون وقتی میام پیش فالگیر، حداقلش اینه که احساس آرامش می‌کنم، امیدوارم می‌کنه، راهنماییم می‌کنه، به زندگیم جهت می‌ده، خوشحال می‌شم. احساس می‌کنم یه واسطه‌ای هست که می‌تونم بهش اعتماد کنم.» "پ" ۴۵ ساله نیز چنین می‌گوید: «کلاً راضی هستم، فالگیر کارش درسته، نیتش خوبه، نفوسش خوبه، آرام بخش هست، وقتی میام پیش فالگیر احساس آرامش می‌کنم، خیلی برام خوشایند هست، سبک می‌شم، به زندگی امیدوار می‌شم، از افسردگی در میام.»

احساس ندامت: زنان ضمن اذعان به کارکرد آرامش

بخشی مقطعی فالگیری، به دلیل عدم تحقق پیش‌بینی‌ها و توصیه‌های فالگیر در زندگی شخصی خود احساس ندامت و پشیمانی می‌کنند. این دسته از زنان هدر دادن پول، بی‌فایده بودن دعانویسی و توصیه‌های فالگیر را دلیل پشیمانی خود عنوان می‌نمایند؛ برای مثال، "ن" ۲۵ ساله در پاسخ به این سؤال: «تا حالا شده از رفتن پیش فالگیر پشیمون بشی؟» چنین اظهار کرده است: «۹۰ درصد اوقات از اتاق فالگیر میام بیرون با خودم می‌گم آه این چی بود و قتم رو گذاشتم براش، اینکه هیچی نگفت. وقتی خوشحال می‌شم که حرف‌هاش در مورد گذشته‌ام هم درست باشه و بهم انرژی مثبت بده. بعضی وقتا پرت می‌گه. بیشتر افرادی که میان با فالگیر دردودل می‌کنن و کل جریان زندگیشون رو بهش می‌گن. چون چیز خاصی نمی‌گه پشیمان می‌شن.» "ا" ۲۸ ساله نیز بر این باور است: «قبلاً پیش فالگیرهای دیگه رفتم، چون حرف‌هاشون درست نبوده پشیمون شدم و دیگه نرفتم. حس می‌کنم شاید بودن؛ ولی بعضی فالگیرها واقعاً بمب روحیه هستن و هیچ وقت پشیمان نشدم انسان فراموشکار هست، حتی اگه اشتباه بگه، باز فراموش می‌کنه و وقتی مشکلی پیش بیاد، دوباره می‌ره.» "ش" ۲۳ ساله در این باره چنین گفت: «آره، شده بارها پشیمان شدم؛ ولی به نظر تو من چیکار کنم؟ اگه حرف‌هاش درست نبود، اولش می‌گم دیگه نیمام ولی باز اینقد مشکلات بهم فشار میاره که برای دلخوش شدن و امیدوار شدن یه لحظه‌ای هم میام.»

افسون‌زدگی زندگی: در مردم‌شناسی «سحر و افسون» به عنوان باورهایی تعریف می‌شود که طبق آن اعضای یک گروه اجتماعی به وسیله مافوق طبیعی متشبث می‌شوند تا به شیوه‌هایی که مورد پسند و تأیید جامعه قرار ندارد، چشم زخمی به دیگران برسانند (آبرکرامی و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۱۸). افسون واژه‌ای است که جادوگران هنگام جادوکردن کسی می‌خوانند. به کسی که افسون می‌خواند، افسونگر می‌گویند. زندگی زنانی که به فالگیر مراجعه می‌کنند نیز دچار نوعی افسون‌زدگی شده است؛ به طوری که برخی از زنان حتی برای برخی از مسائل پیش‌پافتاده به فالگیر مراجعه می‌کنند و چاره کار را در دعانویسی و توصیه‌های فالگیر می‌بینند. "س" ۲۵

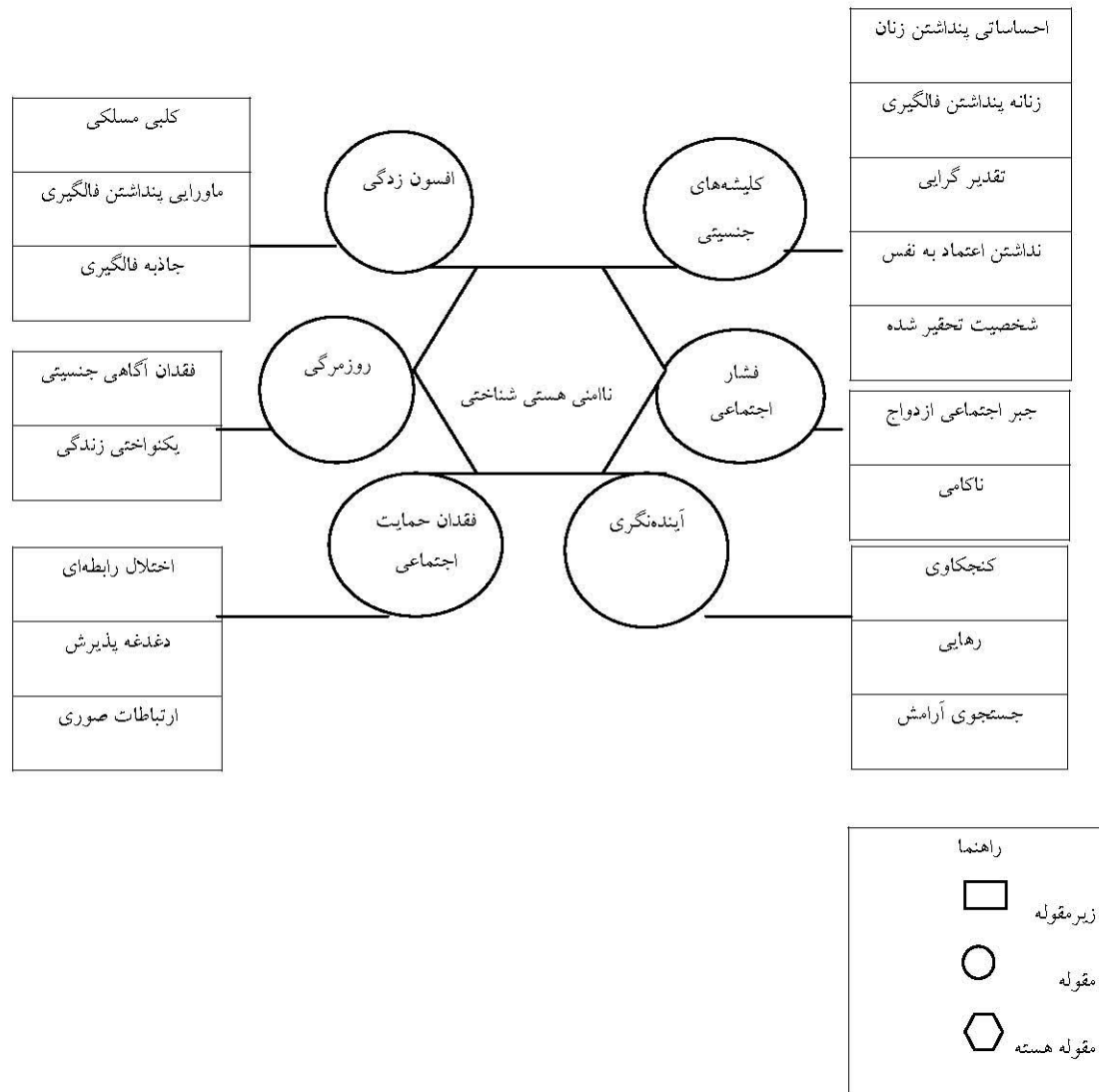
می‌کند، ممکن است از دستیابی به استنباط پایداری از زنده بودن خود عاجز باشد. نگرانی از فراموش شدن و اضطراب از یاد رفتن، ترس از غرق شدن در مشکلات، یا درهم شکسته شدن زیر فشار رویدادهای خارجی، در بیشتر موارد از عواقب چنین احساساتی هستند. این نگرانی‌ها و ترس‌ها، نوعی تجربه فردی به نام «مرگ درونی» را به بار می‌آورد. چنین فردی احساس می‌کند که نیروی پویایی و تحرکش از بین رفته و هستی‌اش مرده و بی‌حالت شده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۳). جدایی ناگهانی زمان و فضا، یا حرکت شتابزده و ناموزون از فرهنگ پیش مدرن به فرهنگ مدرن، با درهم شکستن محیط‌های اعتماد روابط خویشاوندی، اجتماعات محلی، باورداشت‌های دینی و سنت‌های اجتماعی، چارچوب‌های عاطفی و شناختی، احساس امنیت زنان را درهم می‌شکند. جدایی ناگهانی زمان و فضا، نقش شناختی هستی را برهم می‌زند و اضطراب حاصل از این از هم‌پاشیدگی و بی‌نظمی، ذهن را به ترسیم نقشه‌های شناختی جدید وادار می‌کند، ساختن فضاهای تخیلی یا جست‌وجو برای مکان‌های معنادار، اضطراب را کاهش و امنیت وجودی را افزایش می‌دهد و زنان این احساس تنهایی را با مراجعه به فالگیر جبران می‌کنند. این مسأله مؤید مطالعات نظری و تجربی مرتبط با مسأله مورد بررسی است. بر مبنای این دسته از مطالعات تجربه شرایط ناایمن، متزلزل و مبهم، یکی از دلایل اصلی تمایل افراد به باورهای خرافی به‌شمار می‌آید (ربیعی و همکاران، ۲۰۱۳: ۸۰).

ساله در این خصوص اظهار می‌دارد: «راستش فال جزئی از زندگی‌م شده، خیلی باهاش عجین شده‌ام، طوری که هفته‌ای دو سه بار میام فال می‌گیرم، برای سرگرمی، برای حل مشکلم، کلاً عادت کردم.»^۱ ف " ۴۰ ساله در این باره می‌گوید: «تقریباً هر وقت مشکلی برام پیش میاد که نتونم حلش کنم، میام پیش فالگیر. البته، از بچگی به فالگیری عادت کردم، چون مادرم زیاد پیش دعانویس می‌رفت؛ خودمم خیلی به فال علاقه دارم، تقریباً همه نوع فالی رو امتحان کردم.» س " ۲۹ در این خصوص اظهار داشت: «مثلاً دین من می‌گه که فال و این چیزا دروغه، اصلاً یه جوری ما برای خدا شریک قائل می‌شیم. من تا حالا چند بار توبه کردم که دیگه نیام پیش فالگیر؛ ولی چون عادت کردم، توبه‌م رو می‌شکنم و باز میام.»

هسته مرکزی: ناامنی هستی شناختی^۱

مقوله هسته این پژوهش با عنوان ناامنی هستی‌شناختی بر اساس هجده زیر مقوله (نمودار ۲) شکل گرفته است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های بستری، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویدادن آن از دل داده‌های زمینه را از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. مقوله فشاراجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی، کلیشه‌های جنسیتی، روزمرگی، آینده‌نگری، افسون زدگی زندگی زنانه، دلالت‌های مشکل‌گشایانه و فراغتی فالگیری و تبدیل شدن مراکز فالگیری به پاتوق زنانه، نشان از این دارد که زنان در حال تجربه زیست جهان، دشوار و پیچیده و ناامنی هستند که گیدنز از آن با عنوان «ناامنی هستی‌شناختی» یاد می‌کند. از نظرگاه هستی‌شناختی، ایمن بودن؛ یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به نحو به آن پرداخته‌اند. به نظر گیدنز ناخودآگاه و خودآگاه عملی انسان، محمل و لنگرگاه عاطفی و شناختی احساس امنیت وجودی است» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۵). فردی که از نظر وجودی احساس ناامنی

^۱ Ontological Insecurity



نمودار ۱- رابطه مقوله اصلی با سایر مقوله‌ها

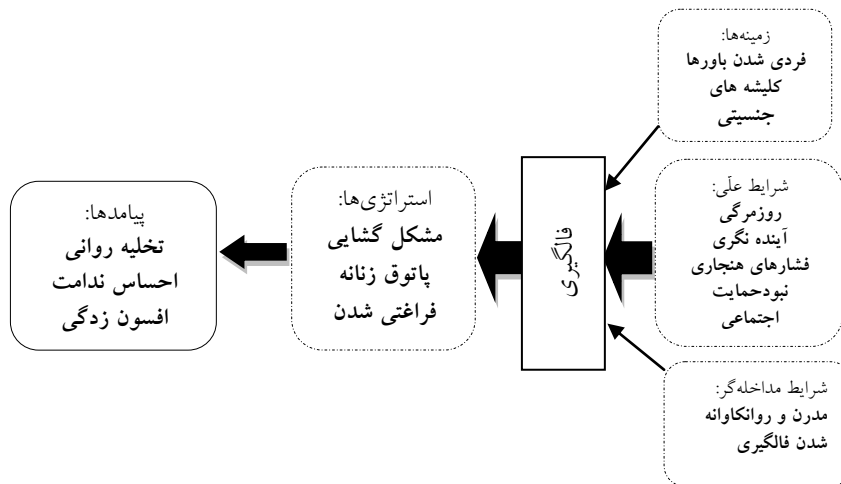
نظریه مبنایی پژوهش

در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر تجربه و درک زنان، شرایط و بسترهای پذیرش فالگیری در شهر سنندج در نظر گرفته شود. در کنار این امر، سعی شده است که تعامل و کنش زنان- آن‌طور که خود آنها تجربه کرده‌اند- ارایه شود. بازسازی این مراحل مبتنی بر آن چیزی است که زنان تجربه کرده و آن را به طور شفاهی و در عمل بیان نموده‌اند. بر اساس مدل پارادایمی (شکل ۱) می‌توان گفت که اقدام به فالگیری زنان تحت تأثیر یک سری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته علی، بستری و مداخله‌گر طبقه بندی

شده‌اند. شرایط علی عبارتند از: روزمرگی، آینده نگری، فشارهای هنجاری، نبود حمایت اجتماعی. در این میان، فردی شدن باورها و کلیشه‌های جنسیتی به مثابه زمینه و مدرن و روانکاوانه شدن فالگیری به عنوان شرایط مداخله‌گر عمل می‌نمایند. شرایط مذکور به طور کلی و در امتداد با یکدیگر موجب شده‌اند که پدیده‌ای به نام فال و عناصر آن مورد توجه زنان سنندجی قرار بگیرد. با پذیرش فال، زنان در برابر آن تعاملات خاصی را انجام می‌دهند یا به عبارت دیگر، راهکارهای خاصی را اتخاذ می‌نمایند. تعاملات مذکور را می‌توان در قالب مشکل گشایی، پاتوق زنانه، فراغتی شدن

مذکور را در چند مقوله دسته‌بندی کرد: تخلیه روانی، احساس ندامت، افسون زدگی زندگی زنان.

فالگیری دسته‌بندی کرد. بنابراین، روی آوردن زنان به فالگیری ماهیت بازاندیشانه دارد. مراجعه به فالگیر از دیدگاه زنان پیامدها و نتایجی برای زندگی آنها دارد که می‌توان پیامدهای



شکل ۱- درک زنان از شرایط، تعاملات و پیامدهای فالگیری

و پلترز (۲۰۰۲) است. گرایش زنان تحصیل‌کرده به فالگیری به نوعی نشان‌دهنده وجود موانعی بر سر راه تبدیل‌پذیری سرمایه فرهنگی (تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای) به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نتیجه مؤید مطالعه تجربی قادرزاده (۱۳۹۰) در میدان مورد مطالعه (سندنج) است. در بافت میدان مورد مطالعه، با وجود اقبال زنان به تحصیلات و کسب صلاحیت‌ها و توانایی‌های فکری بر کمیت و کیفیت مناسبات و روابط اجتماعی زنان افزوده نشده است و به‌علت مردانه بودن ساختار اشتغال، تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی آسان نیست و این مسئله دشواری‌هایی را فراروی تحرک اجتماعی زنان و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زنان برخوردار از سرمایه فرهنگی به‌وجود آورده است (قادرزاده، ۱۳۹۰: ۵۶). بنابراین، این وضعیت یک عامل ساختاری بازدارنده جدی بر سر راه تبدیل‌پذیری سرمایه‌های زنان به شمار می‌رود. اصلاح قوانین موجود و حرکت در جهت ادغامی کردن هر چه بیشتر قوانین موجود، زمینه را برای حضور و مشارکت سازنده زنان در عرصه‌های مختلف و

بحث و نتیجه‌گیری

زنان یکی از مخاطبان و مصرف‌کنندگان فال به شمار می‌آیند. بر مبنای نتایج حاصل از مصاحبه‌های کیفی، غلبه نگاه ابزاری که به میانجی کلیشه‌های جنسیتی و فشارهای هنجاری بازتولید می‌شود، محدودیت منابع در دسترس زنان، ضعف نسبی شبکه‌ها و نهادهای حمایتی، از جمله دلایل روی آوردن زنان به فالگیری است. زنان مورد مصاحبه برای رهایی از ملال زندگی روزمره، کسالت، بی‌حوصلگی، بیکاری به فالگیری مبادرت می‌ورزند. زنان در این مواجهه، فالگیری را به مثابه مشکل‌گشا و ابزاری برای نیل به فرصت‌ها و امتیازهای اجتماعی-اقتصادی و در نهایت، موفقیت اجتماعی تجربه و درک می‌کنند.

بر مبنای مشخصات زمینه‌ای زنان مورد مصاحبه، از نظر سطح سواد، ۱۳ درصد زیر دیپلم، ۲۶ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم، ۴۰ درصد لیسانس و ۲۰ درصد فوق لیسانس بودند. روی آوری زنان تحصیل‌کرده مؤید مطالعات تجربی نوذری و همکاران (۱۳۸۹) و در تقابل با یافته‌های پژوهشی امه (۱۹۴۰)

خانه، عمومی از خصوصی، تولید از بازتولید و مردان از زنان است (عرشی‌ها و مدیری، ۱۳۹۰: ۱۲۵). بر این اساس، جنسیت‌زدایی از عرصه‌های عمومی ضرورت دارد.

بر مبنای اظهارات زنان مورد مصاحبه، فالگیری به جز آرامش مقطعی و امیدواری نسبت به آینده تأثیر چندانی در تحول زندگی آنها نداشته است و تنها یک مسکن مقطعی به شمار می‌رود که با افسون‌زده ساختن زندگی و فردی نمودن مسائل پیش روی زنان، امکان کنشگری و اثرگذاری در تغییر مناسبات اجتماعی را از زنان می‌گیرد. به بیان دیگر، کنش فالگیری به نوعی در تداوم و بازتولید کلیشه‌های جنسیتی سهیم بوده است. بر این مبنای، توانمندسازی و ارتقای سطح آگاهی‌های زنان ضرورت دارد. البته، در سطح کلان نیز ضرورت دارد رویکرد ادغامی ساختارهای کلان بیش از پیش تقویت شود و ماهیت دربرگیرنده‌ای به خود بگیرند.

نگاهی به زمینه‌ها و بسترها و دلالت‌های معنایی فالگیری، نشان از "ناامنی زندگی زنان" به مثابه مقوله هسته مطالعه حاضر دارد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که زندگی زنان دچار یک ناامنی است و آنها نوعی اضطراب را در وجود خود احساس می‌کنند که این اضطراب به نوبه خود مانع تحرک و پویایی آنها در زندگی خانوادگی و اجتماعی می‌شود. این احساس ناامنی بیشتر متوجه زنان است که باعث فشار روانی و اضطرابی ناشناخته در آنها می‌شود. زنان برای جبران این اضطراب و فرار از وضعیت موجود به فالگیر پناه می‌جویند. با توجه به تداخل معنایی باورداشت‌های عامیانه با بخشی از معرفت دینی، شناساندن و آگاهی بخشی در خصوص سرنوشت و تقدیر در حوزه معارف دینی و فلسفی برای جلوگیری از تداخل این مفاهیم با باورداشت‌های غلط عامیانه، از طریق بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های موجود در آموزش و پرورش، و مساجد و رسانه‌های همگانی ضروری به نظر می‌رسد.

افزایش احساس اثرگذاری آنان فراهم می‌کند. بر مبنای مطالعات تجربی فاضلی (۱۳۸۷)، «این‌که زنان بیشتر از مردان به فالگیری می‌پردازند، تا حدودی در این واقعیت ریشه دارد که به دلیل نابرابری‌ها در توزیع قدرت و ثروت و تبعیض‌های جنسیتی، زنان به ناچار با مسائلی مواجه می‌شوند که از یافتن پاسخ‌های لازم برای آن ناتوانند و به مشاوران اجتماعی نیاز دارند که بتواند به زبان آنها با ایشان صحبت نماید (فاضلی، ۱۳۸۷).

از وجوه مشترک مطالعات تجربی موجود این است که نیازمندی‌ها و مشکلات اقتصادی و روانی افراد در گرایش به فالگیری مؤثر است، در حالی که بسیاری افرادی که صرفاً به منظور تأمین نیازها و مشکلات اقتصادی و روانی فال نمی‌گیرند. یکی از دلایل قابل توجه روی‌آوری زنان به فالگیری، روزمرگی و یکنواختی زندگی است. زنان به میانجی فالگیری به دنبال مجرای برای کسب لذت، سرگرمی، کنجکاو و تنوع‌بخشی به زندگی روزمره خود هستند. این مسأله نشان از کارکرد فراغتی فالگیری دارد که به نوعی مؤید منفعلانه شدن گذران فراغتی زنان در میدان مورد بررسی است. بنابراین، مهیا نمودن شرایط لازم برای درگیرساختن زنان در الگوهای گذران فراغتی فعالانه ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر فقدان شبکه‌های حمایتی و اختلال رابطه‌ای موجب شده است تا اماکن و مراکز فالگیری به نوعی پاتوق دوستانه و حوزه عمومی زنانه تبدیل شود. بنا به اظهارات این دسته از زنان، آنها از این کار لذت می‌برند؛ این دسته از زنان، خیلی درگیر حرف‌های فالگیر نمی‌شوند، بلکه به عنوان یک تفریح فرهنگی از آن استفاده می‌کنند. این مسأله به نوعی مؤید جنسیتی شدن عرصه‌های عمومی در میدان مورد مطالعه است. فضا به وسیله روابط جنسیتی و روابط قدرت حاکم و به صورت اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. این نابرابری در ابعاد مختلفی چون الگوی کاربری اراضی، مثل فرم، موقعیت و نوع مناطق مسکونی، شبکه‌های حمل و نقل، فضای عمومی نمود می‌یابد که مبتنی بر تمایز شهر از

منابع

- خواجه‌زاده، ن. (۱۳۸۵). بررسی علل اجتماعی، فرهنگی گرایش زنان به خرافه، (مطالعه موردی شهرستان دزفول)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ذکایی، م.س. (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی اوقات فراغت در ایران»، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۳، ص ۱۲-۳۵.
- رهنما فرد، ن. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به طالع‌بینی در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سمیعی، م. (۱۳۸۱). گرایش به فال‌بینی و عوامل فرهنگی مرتبط با آن در بین دبیرستان‌نهای دخترانه (تهران)، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عرشی‌ها، م. و مدیری، آ. (۱۳۹۰). «تأثیر فضای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان (میدان مادر و راه آهن)»، پژوهش اجتماعی، ش ۱۳، ص ۱۲۰-۱۴۲.
- فاضلی، ن. (۱۳۸۶). «فال، فرهنگ و فراغت»، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۳۵۰، ص ۱۲-۲۴.
- _____ (۱۳۸۷). مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ (۱۳۹۱). «مصرف فرهنگی اینترنت و شکل‌نگرفتن هویت مجازی (مردم‌نگاری دانشجویان سه دانشکده ارتباطات، عمران و معماری)»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ش ۱۶، ص ۵۵-۹۱.
- فروغی، ع. و عسگری‌مقدم، ر. (۱۳۸۸). «بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی»، فصلنامه راهبرد، ش ۵۳، ص ۱۶۱-۱۹۳.
- فلیک، ا. (۲۰۰۴). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.
- آبرکرامبی، ن.، هیل، ا. و ترنر، ب. (۱۹۹۱). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران: چاپخش.
- استراس، آ. و جولیت، ک. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ازکیا، م. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). تحلیل ساختاری جنسیت، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- افشانی، ع. (۱۳۸۵). تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران: (مطالعه موردی شهرهای اصفهان، اهواز و ایلام). پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بهنام، ج. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پاپلی یزدی، م.ح. و سقایی، م. (۱۳۸۱). «سنت و مدرنیته»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۶-۶۵، ص ۲۵-۴۴.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، ح.؛ بابازاده بائی، ع. و ابراهیمی، س. (۱۳۸۸). «کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان»، راهبرد فرهنگ، ش ۵، ص ۱۰۷-۱۲۹.
- جواهری، ف. (۱۳۸۱). «مطالعه جامعه‌شناختی پدیده دعا نویسی در ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۳۵، ص ۶۳-۸۵.
- خلعت بری لیمایی، م. (۱۳۸۳). «انواع استخاره و جایگاه آن در اعتقادات مردم»، فرهنگ مردم ایران، ش ۵ و ۶، ص ۱۱۷-۱۴۰.

- Individual Differences*, Vol. 35, Issue 6, P 1419-1426.
- Rabiei, K. V. Ghasemi & H.R. Arzani, (2013) "Superstition and Cultural Diversity- Case Study: Isfahan Province, Iran. Mediterranean". *Journal of Social Science*, Vol. 4, No. 4, P 73-82.
- Zebb, Barbara, j. and Amoore. Michael C. (2001) *Superstitiousness and perceived Anxiety Control as Predictors of Psychological Distress* In Elsevier Science Inc.
- قادرزاده، ا. (۱۳۹۰). «تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان». *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳، ص ۳۵-۶۵.
- کوزر، ل. (۱۹۹۷). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- گولومبوک، س. و فسی وش، ر. (۲۰۰۱). *رشد جنسیت*، ترجمه: مهرناز شهرآرای، تهران: ققنوس.
- محمدپور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۷). «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱ و ۲، ص ۳-۳۳.
- نوذری، ح، کریمی، ع. و غلامی، م. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان‌های فالگیری در ایران»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ششم، ش ۱۸، ص ۱۶۰-۱۸۰.
- همیلتون، م. (۱۹۹۷). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- Bleak, J.I. & Frederick, C.M. (1998) "Superstition Behavior in Sport: Levels of Effectiveness and Determinants of Use in Three Collegiate Sport". *Journal of Sport Behavior*, No. 21, P 1-15.
- Emme, E.E. (1912) "Modification and Origin of Certain Belifs in Superstition among College Students". *Journal of psychology*, No. 10, P 279 – 291.
- Gallup, G. H. & Newport, F. (1990) "Belief in the Psychic Ad Paranormal Widespread among Americans". *Gallup New Service*, No. 55, P 1-7.
- Griffiths M.D. & Bingham, C. (2005) "A Study of Superstitious Belifs among Bingo Players". *Journal of Gambling Issues*, No. 13, P 1-13.
- McGregor, Haji, R. Nash, K.A. & Taper, R. (2008) "Religious Zeal and the Uncertain Self". *Besic and Applied Social Psychology*, No. 30, P 183-188.
- Neuman, W. Lawrence. (1997) *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches* . Boston: Allyn and Bacon.
- Peltzer, K. (2002) "Magical Thinking and Paranormal Beliefs among Secondary and University Students in South Africa". *Personality and*